

ایران و استراتژی آمریکا برای خروج از خاورمیانه

در مورد ایران و خطری که برای منافع آمریکا دارد، احیای توافق هسته ای منجر به ترسیم شکل جدیدی از رابطه آن با ایالات متحده می شود و فضای تحرک ایران در دو منطقه عربی و آسیای میانه نیز در نتیجه خروج آمریکا از آن، تغییر می کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، القدس العربی در مطلبی به قلم مزهر جبر الساعدی نوشت: اخباری که اخیراً در روزنامه های آمریکایی و اروپایی و حتی عربی مطرح می شود، حاکی از آن است که آمریکا قصد دارد نیروهای خود را به طور کلی از منطقه خاورمیانه خارج کرده یا حضور نظامی اش در آن را محدود کند، همانطور که آمریکایی ها سامانه های پاتریوت خود را از عراق، اردن، عربستان و کویت خارج کرده اند.

در ادامه این مطلب آمده است: واقعیت آن است که این خروج در چارچوب تحول کلی در سیاست آمریکا صورت می گیرد و یک تغییر اساسی در استراتژی این کشور در تمام ارکان جهان و نه تنها در منطقه عربی است. این تغییر نتیجه عواملی از جمله این عامل است که در جهان عرب، دیگر تهدید جدی برای رژیم صهیونیستی وجود ندارد. علاوه بر این، چین و روسیه با یکدیگر متحد شده و چین در حال افزایش نفوذ اقتصادی و تجاری خود در جهان است. ایالات متحده همچنین از شکاف در بافت اجتماعی خود و تضاد در دیدگاه نخبگان سیاسی اش رنج می برد، به این ترتیب، شاهد یک تغییر بزرگ در استراتژی آمریکا هستیم که موضع گیری دوباره و استقرار تازه ای برای نیروهای نظامی این کشور در سراسر جهان را به دنبال دارد.

این تحولات در واقع نتیجه همراهی ایالات متحده با ضرورت ها و مقتضیات رقابت بین سه قدرت بزرگ در جهان محسوب می شود. این درگیری به کلی با آنچه در جنگ سرد اتفاق افتاد، متفاوت است. از جمله مهمترین اصول درگیری اخیر، جنگ سایبری، جنگ اقتصادی، تجاری و ارزی، احیای ائتلاف ها و جبهه گیری ها، ایجاد مجامع اقتصادی و تجاری و مالی، انتقال یا بومی سازی تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی نظامی و شهری با ارز داخلی، بین دولتهایی است که یک ساختار صنعتی تولید کننده دارند.

عده ای، نظریه جنگ سرد بین قطب های بزرگ جهان، یعنی روسیه، چین و آمریکا را رد می کنند، این دیدگاه در صورتی صحیح است که بخواهیم آنچه در حال حاضر جریان دارد را براساس ایدئولوژی های حاکم بر دوران جنگ سرد قبلی تطبیق دهیم، اما اگر گذشت زمان را در نظر بگیریم، در می یابیم که تحولات در قرن بیست و یکم طبق معیارهای همین قرن پیش می رود و در آن خبری از درگیری ایدئولوژی ها نیست، بلکه آنچه مهم است، رقابت تجاری، اقتصادی و مالی است که به نبرد ارز در آینده مربوط می شود.

اساس جنگ سرد در قرن بیست و یکم، مبتنی بر جنگ مسلحانه بین دشمنان نیست، به همین دلیل است که شاهد توافق اخیر بین آمریکا و روسیه برای گفتگوی مستقیم و مستمر میان آنها بودیم. با این حال، تمام قدرت های بزرگ بویژه چین، روسیه و آمریکا، به شکلی خستگی ناپذیر در حال افزایش قدرت نظامی بازدارنده خود هستند و این به معنای ورود آنها به یک مسابقه تسلیحاتی جدید است، همانطور که روزانه شاهد اعلام این دولت ها در مورد اختراع سلاح های جدید یا ماهواره ها هستیم، که البته هدف از آن، حفظ توان بازدارندگی در مناطق نفوذشان است. همانطور که دو قدرت عظیم اقتصادی، یعنی چین و آمریکا، برای بهبود سلاح های خود، هزینه های گزافی می کنند. بنابراین، جنگ سردی با معیارهای قرن ۲۱ در جریان است.

در این شرایط، این خلأ که خروج آمریکا به جا می گذارد، منجر به هرج و مرج و چه بسا جنگ منطقه ای می شود که تاثیر جدی در روسیه و در رابطه دولتهای مستقلی که با روسیه مرتبطند، می گذارد. اما در مورد ایران و خطری که برای منافع آمریکا دارد، احیای توافق هسته ای منجر به ترسیم شکل جدیدی از رابطه آن با ایالات متحده می شود و فضای تحرک ایران در دو منطقه عربی و آسیای میانه نیز در نتیجه خروج آمریکا از آن، تغییر می کند.

چه بسا یکی از مهمترین بخش های این استراتژی جدید آمریکا، واگذاری مأموریتش در منطقه، به نیروهای وابسته به آن است، تا در صورت نیاز از آن نیروها استفاده کند. این عملیات، می تواند برای آمریکا بسیار کم هزینه تر از دخالت مستقیم باشد. همانطور که شاهد توافق اردن و آمریکا در مورد ایجاد پایگاه آمریکایی در صحرای اردن در نزدیکی مرزهای سوریه-عراق-اردن بودیم. این توافق به نوبه خود نافی ادعای خروج کامل آمریکا از منطقه است.

استراتژی درگیری ها در جهان، در مسیر خود به سمت تغییر می رود، نه فقط در مورد آمریکا، بلکه در مورد تمام قدرتهای جهان، این تغییر نتیجه انقلاب اطلاعاتی و ارتباطات است، که نقش مهمی در پیشبرد اغراض نظامی دارد.

تکنولوژی جدید، این امکان را فراهم کرده است تا با استفاده از سلاح های پیشرفته، هدف از دور و بدون نیاز به سلاح های قدیمی، از بین برود. استفاده از همین سلاح در مناطق تحت نفوذ آمریکا، این امکان را برایش فراهم می کند تا بدون نیاز به حضور سیاسی یا نظامی ملموس و مستقیم خود، دشمنانش را به کمک سلاح های مذکور هدف بگیرد.